جلسه 9-487

**‌شنبه - 29/06/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

 بحث راجع به لزوم تعیین نوع نماز واجب بود یا نوع نماز مستحب. که صاحب عروه در مساله 1 فرمود ان کان واحدا لایجب التعیین و ان کان متعددا یجب التعیین.

ما عرض کردیم این درست نیست. تابع این است که آیا دلیلی بر لزوم قصد نوع در این نماز داریم یا نداریم؟ اگر دلیلی نداشتیم بر لزوم قصد نوع، طبق اطلاق اولیه خطاب، قصد نوع لازم نیست. شک هم بکنیم در صدق عرفی این عنوان بر موردی که ما قصد این عنوان بالخصوص نکنیم، می‌‌شود شبهه مفهومیه در متعلق امر، اصل برائت جاری می‌‌کنیم.

و این اختصاص به نماز ندارد، ‌در غیر نماز، سایر واجبات هم همین است. مثلا اختلاف است حجةالاسلام عنوان قصدی است یا قصدی نیست. خود مرحوم آقای خوئی مختلف صحبت کرده. اگر حجةالاسلام عنوان قصدی باشد من قصد حجةالاسلام نکردم، قصد حج مستحب کردم، ‌این اجزائش از حجةالاسلام مشکل می‌‌شود. یا برعکس، ‌اگر قصد حجةالاسلام کردم بعد معلوم شد حجم مستحب بود، ‌اگر اختلاف حجةالاسلام با حج مستحب با قصد تعیین می‌‌شود مثل نماز ظهر و عصر مشکل می‌‌شود صحت این حج من چون ما قصد لم‌یقع و ما وقع لم‌یقصد. ولی اگر ما استظهار کنیم از ادله وجوب حج بر مستطیع که مستطیع باید حج برود، حجةالاسلام هم یعنی حج صادر از مستطیع، من مستطیع یا هستم یا نیستم، اگر هستم حج من می‌‌شود حجةالاسلام و لو قصد حجةالاسلام نکنم، ‌اگر مستطیع نیستم حج من می‌‌شود مندوب و لو قصد حجةالاسلام بکنم چون فرض این است که تشریع نمی‌کنم، اشتباه کردم. حجی است صادر از من و من مستطیع نیستم می‌‌شود حج مندوب.

در موارد شک اصل عدم لزوم تعیین است

اگر هم این استظهار را نکردیم نوبت رسید به شک، شبهه شبهه مصداقیه که نیست، ‌شبهه مفهومیه است که آیا در عنوان حجةالاسلام اخذ شده است قصد این عنوان یا اخذ نشده است؟ اگر اخذ شده باشد واجب می‌‌شود خصوص عن قصد حجةالاسلام و اگر اخذ نشده باشد ذات حج واجب می‌‌شود لابشرط از قصد حجةالاسلام. می‌‌توان برائت جاری کرد از اعتبار قصد حجةالاسلام.

پس ما تا دلیل نداشته باشیم بر لزوم قصد عنوان، اصل عدم لزوم آن است. و لکن برخی از موارد است که ما دلیل داریم. آن روز مثال زدیم گفتیم آن شخصی که نائب می‌‌شود از حاجی ذبح بکند هدی را ظهور عرفی ذبح عنه به این است که قصد کند ذبح از این شخص را حتی نائب از یک نفر است باید او را قصد کند و لو اجمالا. اگر نائب از زید است و لکن قصد کند ذبح از طرف عمرو را و لو اشتباها این ذبحش مجزی نخواهد بود. مگر با این توجیهی که صاحب عروه ذکر کرده که در مسأله دو خواهیم گفت که این اشتباه در تطبیق است که بحثش خواهد آمد. و اگر نائب باشد این شخص در ذبح از افراد متعدد طبعا باید قصد کند ذبح از زید را ذبح از عمرو را. ما آن روز به آقای زنجانی نسبت دادیم که ایشان قائلند که تعیین افراد لازم نیست. من صد و پنجاه گوسفند می‌‌کشم به نیابت این صد و پنجاه حاجی که در کاروان ما هست. و لکن از ایشان هم سوال شد ایشان فرمودند ما هم تعیین می‌‌دانیم تعیین افراد را و لو اجمالا. درست هم همین است.

اما در جایی که دلیل بر تعیین آن نیست مثل این‌که من چند روز روزه قضا دارم، چند روز نماز قضا دارم، تعیین لازم نیست. بله، اگر اثر خاصی بر یکی از این‌ها بار بود و من تمام واجب را انجام ندادم بخواهم آن اثر خاص را بار کنم این نیاز به قصد آن عنوان خاص دارد. مثل این‌که روزه قضاء امسال و روزه قضاء پارسال به گردنم است که اگر بخواهم یک روز روزه بگیرم تا آخر سال روز دوم را روزه نگیرم باید قصد کنم روزه امسال را بگیرم تا کفاره تاخیر بر من واجب نشود. ولی اگر این قصدم را هم نکردم با این‌که باید کفاره تاخیر را بدهم ولی یک روز روزه قضاء از عهده‌ام ساقط می‌‌شود لابعینه.

این محصل عرض ما بود در مسأله 1.

[سؤال: ... جواب:] تعیین بعد العمل معنا ندارد چون وقتی عنوان، عنوان قصدی است باید مقارن با تحقق این فعل قصد عنوان بکنید. مگر دلیل خاص داشته باشیم. مثل این‌که صحیحه زراره بعد از فراغ از نماز عصر می‌‌گوید اگر ملتفت شدی که نماز ظهر را فراموش کردی فانوها الاولی، قصد کن که این نماز عصرت نماز ظهر باشد، فانما هی اربع مکان اربع. این دلیل خاص است و الا اگر دلیل خاص نبود در هنگام عمل قصد عنوان خاص را نکنیم و این عنوان خاص قصدی باشد طبعا چون ما قصد نکردیم تحقق آن عنوان را آن عنوان محقق نمی‌شود. اما اگر برعکس بود ما فکر می‌‌کردیم نماز ظهرمان را نخواندیم یک نمازی به نیت نماز ظهر خواندیم این‌جا این نماز ظهری که خواندیم مجزی نیست. چرا؟ برای این‌که دلیل نداریم اذا صلیت الظهر ثم علمت بانک قد صلیته سابقا فانوها العصر. نفرمایید تعلیل که می‌‌گوید فانوها الاولی در جایی که بعد از نماز عصر ملتفت بشوید که نماز ظهر را نخواندید تعلیل که انما هی اربع مکان اربع معمم است. چرا گفتند فانوها الاولی تعلیل می‌‌گوید فانما هی اربع مکان اربع. حالا اگر فرع عوض شد من نماز ظهر نیت کردم بعد فهمیدم این نماز ظهر را قبلا خواندم این هم فانما هی اربع مکان اربع شاملش می‌‌شود. این فرمایش را نفرمایید. چرا؟ برای این‌که تعلیل معمم مورد است نه این‌که خصوصیات حکم را الغاء کند. ان جائک زید فاکرمه لانه عالم، زید را که مورد تعلیل است از خصوصیت می‌‌اندازد به جای او هر عالم دیگری بود همین حکم را دارد همین حکم با خصوصیاتی که در این حکم است. می‌‌شود ان جائک عمرو العالم فاکرمه ان جائک بکر العالم فاکرمه اما حکم عوض نمی‌شود. این‌جا حکم این است که فانوها الاولی، ‌حکم این است، منتها این‌که مورد نماز ظهر و عصر است خصوصیت ندارد. اگر عددشان مثل هم بود عدول از لاحقه به سابقه جائر است. فانوها الاولی این است. حالا اگر شما نیت نماز عشاء کردید قبل از این‌که وارد رکعت سوم و چهارم نماز عشاء بشوی، عرف می‌‌گوید آن فانوها الاولی هم این‌جا است چون انما هی اربع مکان اربع یعنی چیزی به تعداد رکعات که زیاد نکردی فانوها الاولی در این نماز هم که به عنوان عشاء خواندی بعد فهمیدی مغربت را نخوانده بودی و هنوز محل نماز مغرب نگذشته، این‌جا هم فانوها الاولی می‌آید. اما حکم فانوها الاولی است چه جور ما این حکم را الغاء کنیم بگوییم فانوها الثانیة؟ این‌که مقتضای عموم تعلیل نیست عموم تعلیل این است که خصوصیت ندارد نه این‌که حکم را الغاء کنیم.

## مسأله 2: عناوین قصدی و غیر قصدی. خطا در تطبیق

مطلب اول: بررسی عناوین اداء،‌ قضاء، قصر، تمام و وجوب و ندب

عنوان اداء و قضاء

مسأله 2: لایجب قصد الاداء و القضاء و لا القصر و التمام و لا الوجوب و الندب الا مع توقف التعیین علی احدهما بل لو قصد احد الامرین فی مقام الآخر صح اذا کان علی وجه الاشتباه فی التطبیق و اما اذا کان علی وجه التقیید فلایکون صحیحا کما اذا قصد امتثال الامر بالاداء لیس الا فبان الخلاف فانه باطل.

صاحب عروه فرموده است که عنوان اداء و قضاء عنوان قصدی نیست. عنوان قصر و تمام هم عنوان قصدی نیست. وجوب و ندب هم عنوان قصدی نیست.

ما ابتداء از اداء و قضاء شروع کنیم. راجع به این‌که اداء و قضاء عنوان قصدی هستند یا عنوان قصدی نیستند، ما سه نظر می‌‌بینیم وجود دارد:

تقریب قول به قصدی نبودن اداء و قضاء

یک نظر این است که اداء و قضاء عنوان قصدی نیستند. اگر شما نماز صبح بخوانید داخل وقت باشد می‌‌شود اداء خارج وقت باشد می‌‌شود قضاء. تابع واقع است. یک زمانی اذان صبح را ده دقیقه از این‌که الان است زودتر می‌‌گفتند، حالا هم اعلام کردند باز هم این اذان صبحی که الان می‌‌گویند حدودا ده دقیقه جلوتر است، یکی از آقایان‌ که در حرم نماز می‌‌خواند، ‌بلافاصله بعد از اذان نماز صبح را شروع می‌‌کرد می‌‌خواند، بعد بناء شد تحقیق کنند گروهی رفتند از جمله آقای زنجانی و دوستان ایشان‌ که آن امام جماعت هم جزء همین گروه بود، رفتند گفتند بعد از ده دقیقه دیگه طلوع فجر شد، آقای زنجانی در ذهنم است که فرمودند من همان ده دقیقه را هم احساس نکردم. کار ندارم. این آقا که امام جماعت حرم بود اعلام کرد تمام نمازهای صبحی که پشت سر من خواندید قضاء کنید چون همه‌اش قبل از وقت بوده. مرحوم آقای تبریزی این را شنیدند فرمودند فقط نماز آن روز آخر را قضاء کنند. چرا؟ دو بیان دارد. حالا فعلا این بیان اول را که طبق این مبنای صاحب عروه است که لایجب قصد الاداء أو القضاء، بیان کنم. مرحوم آقای خوئی قبول کردن در ذیل این مسأله فرمایش صاحب عروه را در شرح عروه. آقای سیستانی در شرح عروه‌شان در تقریرات در ذیل این مسأله نظر صاحب عروه را قبول کردند که اداء و قضاء تابع واقع است. قصد مهم نیست.

و لذا روز اول که اذان صبح گفتند این مردم به تبع این امام نماز صبح قصد کردند قضائی به گردن‌شان فرض کنیم نبود، این نماز صبح روز اول نه امر قضائی دارد نه امر ادائی، ‌ملغی است. فرض این است که نماز قضاء از قبل بر عهده‌شان نیست. روز دوم اذان می‌‌گویند بلند می‌‌شوند قصد می‌‌کنند نماز اداء ‌را. نماز اداء صبح عنوان قصدی نیست، اداء صبح یعنی نماز صبح داخل وقت قضاء صبح یعنی نماز صبح خارج وقت. واقعا این نماز صبح روز دوم مصداق نماز صبح خارج وقت است. فتحقق القضاء. آقای خوئی هم این‌جا فرمودند یقضی ما فاته یعنی یأتی بما فاته خارج الوقت خب أتی بما فاته خارج الوقت. و لذا عملا نماز روز دوم می‌‌شود قضاء نماز روز اول. نماز روز سوم هم می‌‌شود قضاء نماز روز دوم و هکذا.

[سؤال: ... جواب:] وقتی عنوان قصدی نیست، عنوان قصدی نیست مثل این می‌‌ماند که شما اگر می‌‌فهمیدید که امام جماعت راتب نیامده است شخص دیگری که او هم عادل است، آمده است پشت سر او نماز نمی‌خواندید اما این‌که امام جماعت زید است یا عمرو است عنوان قصدی نیست. اصل اقتداء به این امام حاضر را شما قصد کردید ولی اگر می‌‌دانستید او زید نیست عمرو است پشت سر او نماز نمی‌خواندید اما الان بخاطر اعتقادتان‌ که او زید است نویت الاقتداء بهذا الرجل الحاضر. این تقیید که مضر نیست. تقیید به این معنا که انحصار داعی یعنی اگر می‌‌دانستید این امام جماعت عمرو است به او اقتداء نمی‌کردید نه این‌که (دقت کنید!) نیت نماز جماعت را معلق کنید بگویید من قصد نماز جماعت می‌‌کنم اگر این امام زید باشد، او را نمی‌گویید. صاحب عروه هم آن را نمی‌گوید. این‌جا معلوم است که اگر این امام جماعت عمرو است شما قصد اقتداء به عمرو نکردیم. نخیر تقیید به معنای انحصار داعی، همینی که صاحب عروه گفت، ‌گفت این شخص اگر می‌‌دانست که این امام جماعت عمرو است به او اقتداء نمی‌کرد ولی حالا فکر کرده که این زید است آمده گفته اقتداء می‌‌کنم به امام حاضر این‌که مضر نیست. البته صاحب عروه این را هم مضر می‌‌داند ولی سیأتی ان‌شاءالله که تقیید در غیر عناوین قصدیه مضر نیست.

اگر گفتیم اداء اتیان نماز است در داخل وقت قضاء اتیان نماز است خارج وقت عنوان قصدی نیست تابع واقع است بله اگر من می‌‌دانست الان اذان صبح نشده است می‌‌رفتم زیارت نماز شب می‌‌خواندم این می‌‌شود انحصار داعی به امتثال امر ادائی و لکن شما بخاطر خدا این نماز را خواندید، و واقعا این نماز صبح خارج وقت است مصداق قضاء ‌است.

تقریب قول به قصدی بودن اداء و قضاء

این نظر اول. این نظر اول را عرض کردم آقای خوئی در ذیل مسأله 2 در شرح عروه پذیرفت. ولی در ذیل مسأله 1 و در کتاب الصوم تصریح می‌‌کند می‌‌گوید اداء و قضاء عنوانان قصدیان. این‌طور نیست که صرف این‌که نماز داخل وقت است این بشود مصداق اداء یا نماز خارج وقت است بشود مصداق قضاء، نخیر باید این عنوان را قصد بکنید.

و جالب این است: در تعلیقه عروه آقای خوئی در ذیل همین مسأله 2 همین مطلب که اداء و قضاء عنوان قصدی هستند بیان شده. معلوم می‌‌شود که آقای خوئی در شرح عروه یعنی در درس‌شان یک مطلبی فرمودند حالا یا مقرر ناقص بیان کرده یا خود ایشان اشتباه کردند، چون در تعلیقه عروه فرمودند لااثر للتقیید فیما لایعتبر فیه قصد العنوان کالقصر و التمام نعم یصح ذلک فی مثل الاداء و القضاء. می‌‌گوید اگر قصد عنوان لازم نباشد مثل قصد عنوان قصر قصد عنوان تمام حتی اگر به نحو تقیید شما نیت کنید مضر نیست. اما در مثل اداء و قضاء نخیر آن‌جا عنوان، قصدی است. عنوان قصدی چون هست شما قصد اداء بکنید که این قضاء نمی‌شود یا قصد قضاء بکنید اداء نمی‌شود. در ذیل مسأله 1 و در کتاب الصوم دلیل می‌‌آورد بر این‌که عنوان اداء و قضاء عنوان قصدی است. می‌‌فرماید از روایاتی که دلالت می‌‌کند که انسان اول نماز قضاء را بهتر است بخواند بعد نماز اداء را، یعنی نماز صبح می‌‌خواهی بخوانی نماز صبح دیروزت قضاء شده بهتر است که نماز قضاء دیروز را بخوانی بعدت نماز اداء صبح امروز را. این معلوم می‌‌شود عنوان قصدی هستند. و الا اگر عنوان قصدی نبودند اول و دوم ندارد. و لذا اگر نه قصد اداء کنی نه قضاء نه اداء می‌‌شود نه قضاء.

این هم نظر دوم که اداء و قضاء عنوانان قصدیان. طبق این نظر این فرعی که گفتیم نماز صبح‌شان را قبل ازطلوع فجر شرعی می‌‌خواندند روز دوم قصد اداء کردند، این چه جور بشود مصداق قضاء ؟ قضاء را که قصد نکردند. و لذا به نظر مرحوم آقای خوئی کل این نمازها باطل است باید شروع کنند تمام این نمازهای صبح را قضاء کنند. اگر یقین داشته باشند که قبل از وقت بوده. اگر هنوز شک دارند اصل برائت از وجوب قضاء جاری است اگر یقین بکنند که قبل از وقت نماز صبح‌شان را خوانده بودند باید تمام نمازها را قضا کنند.

این‌جا بیان دومی که ما به نظرمان می‌آید که آقای تبریزی می‌‌فرمودند که چرا فقط یک نماز قضاء بر عهده‌شان است می‌آید و آن اشتباه در تطبیق است که در عناوین قصدیه آدم گاهی اشتباه در تطبیق می‌‌کند. من می‌‌خواستم امتثال امر خدا بکنم اشتباه کردم که فکر کردم امر خدا تعلق گرفته به نماز اداء صبح. واقعا امر فعلی خدا تعلق گرفته بود به قضاء نماز صبح دیروز. اشتباه در تطبیق کردم. و لذا اگر ما بگوییم اشتباه در تطبیق خطا در تطبیق در عناوین قصدیه، مشکل ایجاد نمی‌کند، این فرمایش آقای تبریزی درست می‌‌شود.

شبیه آنچه که می‌‌گویند مثلا زنی در مسجد الشجرة خون می‌‌دید فکر کرد خون حیض است و ادامه هم دارد تا روز عرفه، ‌سوال کرد حاج آقا! چی نیت کنم؟‌ گفت بگو محرم می‌‌شوم برای حج افراد از حجةالاسلام قربة الی الله تعالی او هم تکرار کرد محرم شد لبیک گفت و آمد مکه و دید خون قطع شده، معلوم شده که استحاضه بوده، یا اگر هم حیض بوده زودتر پاک شده. مشهور می‌‌گویند خطا در تطبیق کرده. این حج را به قصد امتثال امر فعلی آورده، ‌امر فعلیش هم تعلق گرفته به حج تمتع چون وقت دارد برای حج تمتع چون می‌‌تواند عمره تمتع بجا بیاورد طواف بکند قبل از روز عرفه، مشکلی ندارد. خطا در تطبیق کرده، فکر کرده امر فعلی تعلق گرفته به حج افراد، ‌حج افراد را نیت کرده. همین جا آقای خوئی فرموده یعنی چه؟‌ این زن قصد حج افراد کرده، حج افراد عنوان قصدی است، این قصد حج تمتع نکرده یعنی قصد عمره تمتع نکرده. مثل آن مثالی که زدیم فکر کرده بابایش گفته برو صد هزار تومان هدیه بده به زید در حالی که بابایش گفته بود اداء دین من را بکن به زید این هم گفت جناب زید صد هزار تومان به شما هدیه می‌‌دهم قصدش هم امتثال امر پدر است زید هم گرفت و رفت خرجش کرد ما بگوییم وقع اداءا لزید چون قصد امتثال امر پدر اشت؟ این قصد هبه کرده قصد اداء دین نکرده.

علاوه بر این‌که در این مثال نماز صبح یک اشکالی است که ظاهرا در ذهن بعضی از آقایان است. و آن این است که خطا در تطبیق هم نیست معمولا، ‌تقیید است. یعنی اگر می‌‌دانست اذان صبح نشده کی می‌‌گوید قضاء نماز صبح دیروز را می‌‌خواند؟ اصلا ممکن بود پشت سر این امام جماعت نماز نخواند آن موقع هم برود حرم مشغول زیارت بشود. کی می‌‌گوید اگر این آقا می‌‌دانست نماز اداء نشده قصد نماز قضاء می‌‌کرد. خطا در تطبیق جایی است که اگر می‌‌دانست که واجب این نیست واجب چیز دیگری است او را انجام می‌‌داد، ‌همین الان.

پس طبق نظر دوم که اداء و قضاء عنوان قصدی هستند هر کس قصد اداء بکند ولی واقعا هنوز وقت نشده، این نمازش باطل است. اداء نیست چون وقت داخل نشده قضاء نیست چون قصد قضاء نکرده. حتی اگر تکلیف واحد باشد. چطور؟ روز دوم هنوز اذان صبح نگفتند یک تکلیف بیشتر ندارد فی علم الله، ‌تکلیف به نماز قضاء صبح دیروز، تکلیف واحد است، ولی بالاخره عنوان قصدی است شما قصد قضاء نکردید تکلیف به قضاء داشتید، قصد قضاء نکردید، ‌قصد اداء کردید که هنوز مکلف نبودید به اداء.

تقریب قول به قصدی بودن قضاء

نظر سوم نظری است که آقای سیستانی در تعلیقه عروه در ذیل همین مسأله دو بیان کردند. فرمودند به نظر ما اداء عنوان قصدی نیست. اداء یعنی نماز داخل وقت ولی قضاء عنوان قصدی است. قضاء یعنی اتیان به ما فات به عنوان قضاء ما فات. یعنی در واقع این نماز خودم را بدل قرار می‌‌دهم برای آن نماز فوت شده باید قصد کنم عنوان قضاء را، بدلیت نیاز به قصد دارد. عرفا شما اگر قصد بدلیت عما فات نکنید نمی‌گویند قضاء نماز صبح دیروز را خواند. کی عرف می‌‌گوید قضاء نماز صبح دیروز را خواند شما که قصد نکردید قضاء را.

البته این فرمایش آقای سیستانی قابل مناقشه است. چون کسی که می‌‌گوید قضاء یعنی اتیان به فعل در خارج وقت می‌‌گوید اصلا اتیان به فعل خارج وقت مصداق قضاء است قضاء یعنی چی؟ قضاء یعنی اتی بالشیء بعد ما فات وقته اتی بصلاة الصبح بعد ما فات وقت ادائه، خب اتی بصلاة الصبح دیگه، قصد نماز صبح کرد، بعد ما فات وقت اداء العمل. مثل این‌که یکی به دوستش می‌‌گوید من پدر و مادرم فوت کردند قدرشان را ندانستم تو که پدر و مادر داری، هر روز یک بار برو دیدن‌شان، اگر یک روز فوت شد نرفتی فردایش قضاء کن آن را، فردا دو بار برو یک بار قضاء زیارت پدر و مادری که دیروز نرفتی یک بار هم زیارت پدر و مادرت در همان روز. آیا معنایش این است که وقتی این آقا یک روز فوت شد از او دیدار پدر و مادر، فردایش که می‌‌رود دیدار می‌‌کند با آن‌ها، قصد کند این دیدار اول قضاء دیدار دیروز که از من فوت شده است دیدار دومم دیدار اداء امروز، حالا اگر همچون چیزی را قصد نکرد اتفاقی دو بار رفت دیدن‌شان، کار داشت در آن محل، اول قبل از این‌که برود کارش را انجام بدهد رفت دیدار کرد با آن‌ها بعد هم که کارش طول کشید و ظهر بود و یک جا می‌‌گشت که استراحتی کند آمد دومرتبه خانه پدر و مادرش این هم شد زیارت دوم، ‌بگویند نه شما قصد قضاء نکردی، باید یک بار دیگر امروز بار سوم بیایی دیدار پدر و مادرت به عنوان قضاء ما فات. این عرفیت ندارد.

[سؤال: ... جواب:] عنوان قضاء عما فات می‌‌شود عنوان بدلیت. فرض این است که قضاء یعنی بدلیت عما فات. ... قصد اجمالی اگر داشته باشد قضاء را که مشکل نیست. بگوید این امری که شدم به این‌که نماز صبح بخوانم بخاطر فوت نماز صبح دیروز این می‌‌شود قصد اجمالی قضاء. اما اگر قصد اداء بکند، قصد بدلیت به جای نماز صبح فوت شده دیروز ندارد. آقای سیستانی این را می‌‌فرمایند. و لذا طبق نظر آقای سیستانی در تعلیقه عروه در شرح عروه که تقریرات بحث ایشان است که با آن نظر صاحب عروه موافقت کرده که اداء و قضاء نیاز به قصد ندارند، این نظر سوم نظر آقای سیستانی است در تعلیقه عروه در همین مسأله که قضاء نیاز به قصد دارد اداء نیاز به قصد دارد.

مختار: در فرض اختلاف روز، هر دو قصدی هستند

ما به نظرمان یک قول رابعی هست که صریحا آقایان مطرح نکردند ولی ما به نظرمان اقوی الاقوال است. و آن این است که تفصیل بدهیم: نسبت به نماز یک روز معین نماز صبح امروز، ‌قضاء آن و اداء آن عنوان قصدی نیست. من اگر فکر می‌‌کردم هنوز آفتاب نزده، این جایی که ما هستیم نور ندارد، ساعت هشت صبح هم آدم فکر می‌‌کند هنوز نصف شب است، ‌فکر کردیم هنوز آفتاب طلوع نکرده بلند شدیم نماز صبح خواندیم به قصد اداء، بعد معلوم شده که ساعت هشت صبح بوده، ‌به چه دلیل این نماز صبح قضاء حساب نشود؟ من قصد داشتم نماز صبح امروز را بخوانم، ‌حتی تقیید هم فرض کنید، ‌فرض کنید اگر می‌‌دانستم که ساعت هشت صبح است می‌‌گفتم حالا که نمازم قضاء شده روز جمعه هم هست بگذار تا ساعت نه بخوابم، از ترس خدا که آفتاب نزند بلند شدم سریع رفتم وضوء گرفتم آمدم نماز خواندم چون فکر می‌‌کردم وقت هنوز نگذشته اگر می‌‌دانستم وقت گذشته که اصرار نداشتم که به این عجله نماز صبح بخوانم، تقیید است. اما چرا صدق نکند قضاء ما فاته من صلاة الصبح؟ قضاء یعنی چی‌؟ یعنی اتی به خارج الوقت.

این دلیلی هم که آقای خوئی آورد که تقدیم فائته بر حاضره أو بالعکس این مربوط به نماز دو روز است. دو تا نماز حساب می‌‌کنید: فائته حاضره.

[سؤال: ... جواب:] یک نماز صبح امروز است من هم نخواندم یک امر دارم به قضاء. بالفعل من دو تا امر ندارم. خارج وقت است آفتاب زده قضاء نماز صبح فقط امر دارد. ادائش که امر ندارد چون وقت گذشته. ... متفاوت است که در عالم جعل متفاوت است اما این‌هایی که می‌‌گفتند یجب التعیین مع التعدد مع تعدد فعلیت امر متوجه به مکلف، الان امر متوجه به مکلف که دو تا نیست. یک امر دارد به نماز قضاء، منتها فکر می‌‌کرد آفتاب نزده، قصد اداء کرد علی وجه التقیید هم فرض کنید که اگر می‌‌دانست آفتاب زده بلند نمی‌شد الان نماز بخواند. می‌‌گفت حالا که عجله ندارد الان بخوانم می‌‌خوابم، ‌حالا جوانیم فعلا نمی‌میریم بعدا قضائش را می‌‌خوانیم. ... کلام در این است که اشکال این نماز چیست؟ گفته اقض ما فات کما فات. من نماز صبح را خارج وقت خواندم مربوط به نماز امروز هست. محرکیت خصوص امر مولی که لازم نیست در قصد قربت. همین که نماز می‌‌خواند بخاطر خدا همین کافی است. این‌که این امر محرکش نبوده، امر به قضاء امر واقعی است او محرکش نبوده، امر ادائی موهوم محرکش بوده، این‌ها که مهم نیست، مهم این است که این دارد برای خدا نماز می‌‌خواند، ‌از ترس خدا بلند شد از رختخواب، این برای خدا است این نمازش.

[سؤال: ... جواب:] کسی که می‌‌گوید نماز قضاء و اداء عنوان قصدی هستند، برای خدا بودن کافی نیست باید قصد عنوان هم بکند تا بشود مصداق قضاء، مصداق اداء. ما می‌‌خواهیم بگوییم مشکل نماز صبح امروز که قصد اداء کرد چون فکر می‌‌کرد وقت نگذشته، فبان کونه قضاء، مشکل قصد عنوان است؟ ما می‌‌گوییم دلیل نداریم بر لزوم قصد عنوان قضاء و اداء نسبت به یک نماز. ایشان دارند مشکل قصد قربت مطرح می‌‌کنند جواب ایشان را دادم که یکفی در قصد قربت اضافة العمل لله. اگر برای خدا نبود مگر بیکار بود از جایش بلند شود روز جمعه نماز بخواند، می‌‌گرفت می‌‌خوابید تا ظهر.

[سؤال: ... جواب:] ما قصد امتثال امر را هیچ کجا شرط ندانستیم لاقدیما و لاحدیثا. قصد قربت کافی است. اضافة العمل الی الله کافی است. این اضافه کرد عمل را به خدا.

اما اداء و قضاء دو روز، اداء امروز قضاء دیروز، ظاهر این است که هر دو عنوان قصدی است. اگر من (این مثال را گوش بدهید!) نماز صبح دیروزم قضاء شده بود، بر خلاف عادتم که قضاء نمازها را می‌‌گذارم یک ماه بعد دو ماه بعد می‌‌خوانم اتفاقا دیروز نمی‌دانم تحت تاثیر معنوی چی قرار گرفتم از ترس این آلودگی و بیمارگی گفتیم خدا یک وقت حادثه‌ای پیش نیاید سریع بلند شدیم نماز قضاء صبح دیروزمان را خواندیم، امروز من گفتم یادم نبود که نماز قضاء صبح دیروزم را قبلا خواندم، طبق مرسوم نمی‌خواندم، گفتیم نماز قضاء صبح دیروزمان را بخوانیم بعد نماز صبح‌مان را بخوانیم، قضاء نماز صبح دیروز را نیت کردیم و سلام دادیم بلند می‌‌خواستیم بشویم اقامه بگوییم برای نماز اداء، آنی که در منزل است گفت که شما چرا دو تا نماز صبح می‌‌خواهی بخوانی؟ گفتم این نماز صبح اول قضاء دیروز بوده گفت قضاء دیروز را که دیروز خواندی. کلام در این است که طبق نظر آقای سیستانی در تعلیقه عروه اداء که عنوان قصدی نیست باید این بشود اداء، قضاء عنوان قصدی است یعنی نسبت بین اداء و قضاء می‌‌شود حالت عموم و خصوص مطلق. اگر شما در وقت نماز بخوانی می‌‌شود نماز اداء و لو قصد قضاء بکنی چون عنوان قصدی نیست عنوان اداء. ولی واقعا این‌جور است؟ عرف این را می‌‌پذیرد؟ عرف می‌‌گوید این نماز صبح امروز است؟ می‌‌گویم من نیت کردم قضاء نماز صبح دیروز بعد بشود نماز صبح امروز؟ چه جوری می‌‌خواهد بشود نماز صبح امروز؟ ارتکاز متشرعه متشرعه می‌‌گوید این نماز صبح امروز با قضاء نماز صبح دیروز دو تا عنوان متباین بالقصد هستند، دو تا عنوان مختلف بالقصد هستند. فلایجزئ احدهما عن الآخر است.

پس قول رابع که تفصیل است بین اداء و قضاء نماز یک روز می‌‌گوییم عنوان قصدی نیست، اداء یک روز قضاء روز دیگر عنوان قصدی است. و این قول رابع به نظر ما اظهر است. ان‌شاءالله بقیه مطالب در جلسه آینده.

و الحمد لله رب العالمین.